

شلومو ساند، نویسنده اسرائیلی، درباره کتاب جدیدش:

## «ملت یهود چگونه اختراع شد؟»

نوشته شلومو ساند(\*)

هر فرد اسرائیلی، مرد یا زن، خود را مستقیماً و انحصاراً از تبار قوم<sup>(۱)</sup> یهود می داند؛ قومی که از وقتی در صحرای سینا تورات<sup>(۲)</sup> بر او نازل شده وجود داشته است. طبق این افسانه، یهودیان از مصر فرار کردند و در سرزمین موعود مستقر شدند و در آنجا مملکت (پادشاهی) باشکوه داود و سلیمان را برپا کردند که خود بعدها به دو مملکت یهودا و اسرائیل تقسیم شد. آنها تجربه دو خروج (تبعید) را از سر گذراندند، یکی پس از ویرانی نخستین معبد در قرن ششم قبل از میلاد و دیگری پس از ویرانی معبد دوم در سال ۷۰ میلادی.

بنا بر همین افسانه دوهزار سال سرگردانی باعث شد که یهودیان در یمن، مراکش، اسپانیا، آلمان، لهستان و در عمق روسیه پراکنده شوند. اما آن افسانه همچنان ادامه می دهد که آنان همیشه روابط خونی بین جماعت های پراکنده یهودی را حفظ کردند و یگانه بودن (منحصر به فرد بودن) آنها هرگز آسیب ندید.

آنگاه در پایان قرن ۱۹ اوضاع برای بازگشت آنان به میهن دیرین شان مساعد گشت. اگر نسل کشی یهودیان به دست نازی ها نبود میلیون ها یهودی رؤیای دوهزارساله خود را تحقق می بخشیدند و در سرزمین اسرائیل که تورات به آنان وعده داده بود سکنی (سکنا) می گزیدند. فلسطین که سرزمینی غیرمسکونی بود قرن ها انتظار کشید تا اهالی اصلی آن بازگردند و آن را احیا کنند. فلسطین متعلق به یهودیان بود نه به اقلیت عربی که هیچ تاریخی نداشت و تصادفاً پایش به آنجا رسیده بود. جنگ های که طی آنها قوم سرگردان یهود سرزمین خویش را به دست آورد جنگ های عادلانه بود و مخالفت خشونت آمیز ساکنان محلی امری جنایتکارانه.

باری تفسیر فوق از تاریخ یهود، با آنچه مورخین پرستعداد و خیال آفرین بر اساس تکه پاره های از خاطرات مذهبی یهودیان و مسیحیان ساختند، گسترش یافت تا تبارشناسی بهم پیوسته ای برای قوم یهود برپا شود. باید توجه داشت که تاریخنگاری فراوان یهودیت رهیافت های بسیاری را دربر می گیرد.

اما هیچ کس مفاهیم اساسی ای را که در پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ مطرح شد به پرسش نکشید. اکتشافات تاریخی ای که ممکن بود این تصویر تک خطی از گذشته را تهدید کند به حاشیه رانده شد. مصالح ملی هرگونه تضاد یا انحراف از داستان مسلط را مردود شمرد. گروه های دانشگاهی که انحصاراً وقف «تاریخ قوم یهود» است متمایز از آنچه به عنوان تاریخ عمومی در اسرائیل تدریس می شود، سهمی برجسته در این نگرش یکجانبه ایفا کردند. این بحث که یهودیت از چه تشکیل می شود نتایج قانونی آشکاری داشت ولی این مورخین آن را نادیده گرفتند. تا آنجا که به آنان مربوط می شد هرکسی که نسبش به قومی می رسید که دوهزار سال پیش مجبور به خروج و تبعید شده یهودی محسوب می گشت.

هیچیک از این پژوهشگران رسمی دوران باستان به مشاجراتی که «مورخین جدید» از اواخر سالهای ۱۹۸۰ برانگیختند نپیوست. معدود کسانی که در این بحث عمومی شرکت جستند غالباً از رشته

های دانشگاهی دیگر یا از محافل غیر دانشگاهی بودند یعنی جامعه شناسان، شرق شناسان، زبان شناسان، جغرافی دانان، کارشناسان علوم سیاسی، محققین ادبی و باستان شناسانی که چشم اندازهای نوینی را درباره گذشته یهودی و صهیونیستی گسترش دادند. گروه های دانشگاهی ویژه تاریخ یهود با تکیه بر افکاری که از پیش بدانان رسیده بود، در موضعی دفاعی و محافظه کارانه باقی ماندند. طی ۶۰ سال گذشته تحولات پرمعنای چندی در تاریخ ملی رخ داده (و این گمان نمی رود که در کوتاه مدت عوض شود) با وجود این، وقایعی که روشن شده هر مورخ باصداقتی را با پرسش های اساسی روبرو می سازد.

### افسانه های بنیادین که به لرزه درآمده

آیا تورات يك متن تاریخی ست؟ نخستین مورخین یهودی دوران مدرن مانند ایزاک مارکوس یوست (۱۸۶۰ - ۱۷۹۴) و لئوپولد زونز (۱۸۸۶ - ۱۷۹۴) که در نیمه نخست قرن ۱۹ می نوشتند چنین نمی اندیشیدند. آنها به تورات (عهد قدیم) به عنوان اثر دینی می نگریستند که باورهای جماعت های مذهبی یهودی را پس از ویرانی نخستین معبد بازتاب می دهد. تنها در نیمه دوم قرن ۱۹ بود که هاینریش گرائتس (۹۱ - ۱۸۱۷) و دیگران بینشی «ملی» از تورات ارائه دادند و سفر ابراهیم به کنعان [فلسطین]، فرار از مصر و بالاخره پادشاهی متحد داود و سلیمان را به يك گذشته [یا سابقه] اصیل ملی بدل کردند. بعدها مورخین صهیونیست با تکرار مداوم، این «حقایق» توراتی را پایه آموزش ملی قرار دادند.

اما در سال های ۱۹۸۰ زمین لرزه ای این افسانه های پایه ای و مؤسس را به لرزه درآورد، اکتشافات «باستان شناسی جدید» خروج بزرگ [از مصر] در قرن ۱۳ پیش از میلاد را بی اعتبار ساخت. موسی نمی توانست عبریان را از مصر به سوی سرزمین موعود رهبری کند، به این دلیل ساده که این سرزمین در آن زمان به مصر تعلق داشت. علاوه بر این هیچ نشانه ای (یا رد پای) از شورش بردگان علیه امپراتوری فرعون یا تسخیر ناگهانی کنعان [فلسطین] توسط بیگانگان وجود ندارد.

همچنین هیچ نشان یا خاطره ای از پادشاهی باشکوه داود و سلیمان نیز در دست نیست. بنا بر اکتشافات جدید، در آن زمان دو مملکت کوچک وجود داشته، یکی اسرائیل که قویتر بوده و دیگری یهودا که بعداً یهودیه [به معنی یهودستان] نام گرفت. عموم مردم یهودا در قرن ششم ق. م. به تبعید نرفتند، تنها نخبگان سیاسی و فکری مجبور شدند که در بابل سکونت اختیار کنند. این جدال سرنوشت ساز است که همراه با دین پارس ها [ایرانی] توحید یهودی را پدید آورد.

سپس پرسش مربوط به تبعید سال ۷۰ میلادی مطرح می شود. هیچ جستجوی واقعی درباره این نقطه عطف تاریخ یهود که علت پراکندگی یهودیان در جهان باشد وجود ندارد. به این دلیل ساده که رومیان هیچ ملتی را از هیچ جایی در سواحل شرقی مدیترانه آواره نکردند. به استثنای بردگی زندانیان، مردم یهودیه همچنان، حتی پس از ویرانی معبد دوم در سرزمین خود زندگی می کردند. برخی در قرن چهارم به دین مسیح گرویدند در حالی که غالب آنان در پی غلبه اعراب در قرن هفتم مسلمان شدند. بسیاری از اندیشمندان صهیونیست به این نکته آگاه بودند: ایزاک بن زوی که بعدها رئیس جمهوری اسرائیل شد و بن گوریون اولین نخست وزیر، تا سال ۱۹۲۹ که نخستین شورش فلسطینی ها رخ داد، این را می پذیرفتند. هردو در مناسبت های متعدد اظهار داشتند که دهقانان فلسطینی اخلاف (نوادگان) همان ساکنان قدیمی یهودیه اند<sup>(۳)</sup>.

## شور دعوت و تبلیغ مذهبی

اما می توان پرسید که اگر پس از سال ۷۰ میلادی خروج و تبعیدی وجود نداشته، این همه یهودیانی که در ساحل مدیترانه از عهد باستان سکنا داشتند از کجا آمده بودند؟ دیواری از دود در تاریخنگاری ملی باعث شده که واقعیتی حیرت انگیز از دیده ها پنهان نگه داشته شود. از شورش مکابیان<sup>(۴)</sup> در نیمه قرن دوم پیش از میلاد تا شورش بار کوخبا<sup>(۵)</sup> در قرن دوم بعد از میلاد یهودیت بیش از هر آیین دیگر به تبلیغ مذهبی می پرداخته است. هاسمونی های<sup>(۶)</sup> یهودی یونانی که به زور، ادومی های<sup>(۷)</sup> جنوب یهودیه و ایتوریان های<sup>(۸)</sup> جلیل (گالیله) را یهودی کرده بودند آنها را به مردم اسرائیل ملحق ساختند. یهودیت در خاورمیانه و اطراف مدیترانه گسترش یافت. قرن اول بعد از میلاد شاهد برپایی پادشاهی یهودی آدیابن<sup>(۹)</sup> در کردستان کنونی بود که یکی از موارد بسیار گرویدن به آیین جدید (یهودی) بوده است.

تنها نوشته های فلاویوس ژوزفوس<sup>(۱۰)</sup> نیست که شوق تبلیغ آیین یهود را گواهی می دهد. نوشته های هوراس، سنکا، ژونال و تاسیتوس از نویسندگان رومی نشان می دهد که آنها از این امر می ترسیده اند. بر اساس میثنا و تلمود<sup>(۱۱)</sup>، پذیرش آیین جدید مجاز بود به رغم اینکه عقلای سنت تلمودی در برابر فشار فزاینده مسیحیت محتاطانه برخورد می کردند.

هرچند با پیروزی مسیحیت در آغاز قرن چهارم گسترش یهودیت متوقف نشد، اما باعث گردید که تبلیغ یهودیت به حاشیه فرهنگی جهان مسیحیت تنزل یابد. در قرن پنجم در یمن کنونی يك مملکت نیرومند یهودی در حمر پدید آمد که اخلاف آن، ایمان خود را از زمان فتح اسلامی تا به امروز حفظ کرده اند. وقایع نگاران عرب از وجود قبایل بربر یهودی شده در قرن هفتم میلادی در شمال آفریقا خبر می دهند و از يك ملکه یهودی افسانه ای به نام دهیا<sup>(۱۲)</sup> سخن می گویند که با پیشروی اعراب در شمال آفریقا به مخالفت برخاست. بربرهای یهودی در فتح شبه جزیره ایبری شرکت کردند و در استقرار همزیستی بین یهودیان و مسلمانان که ویژه فرهنگ اسپانیایی - عربی [اندلسی] ست یاری دادند.

مهمترین تغییر آیین در سطح وسیع جمعیت در قرن هشتم در پادشاهی خزر<sup>(۱۳)</sup> واقع در گستره بین دریای سیاه و دریای خزر رخ داد. رواج یهودیت از قفقاز تا اوکراین کنونی جماعت های متعددی پدید آورد که بسیاری از آنان در زمان حمله مغول در قرن سیزدهم به اروپای شرقی عقب نشینی کردند. در آنجا با یهودیان سرزمین های اسلاو تا جنوب آن و نیز با یهودیان مناطقی که آلمان امروزی ست پایه فرهنگ بیدیش را بنا نهادند<sup>(۱۴)</sup>.

## منشور صهیونیسم

تا سال ۱۹۶۰ منشأ یا اصول پیچیده قوم یهود کمابیش با اکراه مورد قبول تاریخنگاران صهیونیست بود، اما پس از آن تاریخ، به عنوان امری ثانوی تلقی شد و سرانجام از حافظه عمومی اسرائیلی زوده گشت. نیروهای اسرائیلی که بیت المقدس (اورشلیم) را در سال ۱۹۶۷ تصرف کردند خود باور داشتند که نوادگان مستقیم مملکت افسانه ای داود هستند نه - خدای نکرده - نوادگان جنگجویان بربر یا سواران خزر. یهودیان مدعی بودند که گروه قومی ویژه ای را تشکیل می دهند که به اورشلیم بازگشته اند، شهری که طی ۲ هزار سال تبعید و سرگردانی، پایتخت آن قوم بوده است.

این بنای یکسان و تک خطی را علاوه بر تاریخ، زیست شناسی نیز باید تأیید می کرد. از سال ۱۹۷۰، يك رشته به اصطلاح تحقیقات علمی در اسرائیل به عمل آمده و تلاش مذبحخانه ای به عمل آورده

تا ثابت کند که یهودیان در سراسر جهان از نظر ژنتیک با یکدیگر در پیوند قرار دارند.

تحقیق درباره منشأ جمعیت‌ها عرصه‌ای مشروع و مردمی در بیولوژی مولکولی ست و در جستجوی دیوانه وار پیرامون منشأ یگانه «قوم برگزیده»، به کروموزوم مذکر Y جایگاه پرافتخاری داده شده است. مسأله این است که این خیالات تاریخی به شالوده سیاست هویتی دولت اسرائیل تبدیل شده است. تأیید کردن تعریف ذات باورانه و قوم - محورانه از یهودیت، باعث دامن زدن به سیاست تبعیض آمیزی می شود که یهودیان را از غیر یهودیان - عرب باشند یا از مهاجران روس یا از کارگران خارجی - متمایز می سازد.

اسرائیل ۶۰ سال پس از تأسیس حاضر نیست بپذیرد که موجودیتش در گرو خدمت به شهروندانش می باشد. اسرائیل برای تقریباً یک چهارم از جمعیتش [فلسطینی های اسرائیل و مهاجران روس...] که یهودی تلقی نمی شوند قانوناً دولت آنان نیست. اسرائیل همواره خود را میهن یهودیان سراسر جهان معرفی می کند، با اینکه آنان دیگر آوارگان تحت پیگرد نیستند و از حقوق شهروندی کامل و برابر در کشورهای دیگر برخوردارند.

گونه ای قوم سالاری فراگیر افسانه وجود ملتی جاوید را که مجدداً بر سرزمین نیاکانش مستقر شده مطرح می کند تا اعمال تبعیض داخلی علیه شهروندانش را توجیه کند. زمانی که منشور صهیونیستی به تجزیه هر چیز در طیف و محدوده قوم محوری ادامه می دهد دشوار است تاریخ نوین یهود را تصور کنیم. ولی یهودیان در همه جا همواره به این گرایش داشته اند که معمولاً از طریق پذیرش آیین جدید جماعت های مذهبی تشکیل دهند. بنابر این نمی شود گفت که آنان همه در یک قومیت برآمده از یک منشأ شریک اند در حالی که بیش از ۲۰ قرن آواره بوده و از یک جا به جای دیگر منتقل شده اند.

توسعه تاریخنگاری و تحول مدرنیته نتیجه ابداع دولت - ملت است که طی قرنهای ۱۹ و ۲۰ میلیون ها نفر را به خود مشغول داشته بود. هزاره جدید آغاز فروپاشی این رؤیایها را گواهی می دهد.

پژوهشگران بیش از پیش افسانه های بزرگ ملی را تحلیل و تشریح و ساخت شکنی می کنند، به ویژه اسطوره های مربوط به ریشه مشترک ملت ها را که اینقدر برای وقایع نگاران دوران گذشته عزیز است.

(ترجمه از انگلیسی برای اندیشه و پیکار)

\* \* \* \* \*

## پاورقی ها:

- شلومو ساند Shlomo Sand استاد تاریخ در دانشگاه تل اویو و نویسنده کتاب "ملت یهود چگونه اختراع شد؟"

(Comment fut inventé le peuple juif (Le Monde diplomatique, août ۲۰۰۸)

با جستجوی نام مؤلف روی گوگل، مقالات و سخنرانی های وی را می یابید از جمله در لوموند دیپلوماتیک اوت ۲۰۰۸ و در رادیوی فرانس انتر Franceinter.fr

۱- در متن انگلیسی همه جا people آمده ولی ترجمه آن به «ملت» که مفهوم مدرنی ست در مواردی نادرست به نظر

رسید. (م)

۲- تورات، اصل واژه از ریشه‌ی عبری *yara* به معنی «بیاد دادن» متن مؤسس آئین یهود است، شامل پنج کتاب عهد عتیق (عهد قدیم) که عبارتند از: سفر پیدایش (یا تکوین)، سفر خروج، سفر لایوان (یا احبار)، سفر اعداد و سفر تثبیه. [در فرهنگ معین نام تورات برگرفته از واژه‌ی عبری «تورا» به معنی شریعت و سنت ذکر شده است. م.]

۳- نک. به «ارض اسرائیل در گذشته و حال» نوشته‌ی داوید بن گوریون و ایزاک بن زوی (به زبان ییدیش) و «اورشلیم» ۱۹۸۰ (به عبری) و...

۴- Maccabean Revolt یک شورش یهودی علیه فرمانروایان سلوکی و سوریایی که در قرن دوم ق. م. رخ داد (نک. از جمله به wikipedia).

۵- Bar Kokhba revolt (از ۱۳۲ تا ۱۳۵ میلادی) دومین شورش یهودیان ناحیه‌ی یهودیه علیه امپراتوری روم و آخرین جنگهای یهودیان با روم بود (نک. از جمله به wikipedia).

۶- Hasmoneans نامی ست که در تلمود [مجموعه‌ی سنت های ربانی که قوانین و مقررات موسی را شرح می کند - معین] به مکابی ها داده شده است.

۷- Idumeans اقوام ادومی فرزندان ادوم و عیسو پسران اسحاق و برادر بزرگ یعقوب (نک، از جمله به ویکی پدیا و تورات سفر پیدایش، فصل ۳۶، آیه ۳۵).

۸- Itureans ایتری ها قومی بودند که در ناحیه ای که امروز به نام دره بقاع (در لبنان) نامیده می شود زندگی می کردند. نک. به <http://www.answers.com/topic/itorea-itureans>

۹- Adiabène از واژه ای آرامی، مملکتی باستانی در بین النهرین که پایتختش اربیل (کردستان عراق) امروزی بوده است.

۱۰- Flavius Josephus مورخ یهودی یونانی زبان، از ۳۷ تا ۱۰۰ میلادی.

۱۱- Mishnah را نخستین کتاب ادبیات خاخامی می شمارند که حدود ۲۰۰ سال بعد از میلاد تنظیم شده است. تلمود مجموعه ای ست از گفتگوها درباره‌ی قانون، سنت و تاریخ یهودیان. تلمودی که در فلسطین تهیه شده متعلق به قرن های ۳ و ۵ میلادی ست، در حالی که تلمود بابل در پایان قرن پنجم جمع آوری شده است. (و در فرهنگ معین: «در تلمود دو قسمت مشخص دیده می شود: میشنه که در آن سنن شفاهی را به صورت مجموعه ای درآورده اند و گمارا (جماره) که تفسیر آن است.»)

۱۲- Dihya یا Damia معروف به کاهنه، ملکه‌ی جنگجوی بربرها که در قرن هفتم میلادی کوشید در برابر پیشروی اعراب در شمال آفریقا (از ۶۹۵ تا ۷۰۵) مقاومت کند.

۱۳- درباره قوم خزر و پادشاهی خزر تا آنجا که اطلاع داریم دو ترجمه از یک کتاب اثر آرتور کوپستلر منتشر شده است یکی به نام قبیلہ سیزدهم ترجمه جمشید ستاری، انتشارات آلفا، تهران ۱۳۶۱ و دیگری به نام خزران ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۱. در مقاله ای که در «کتاب آگاه (مجموعه مقالات درباره ایران و خاورمیانه، انتشارات آگاه ۱۳۶۲) به قلم ایرج علی آبادی تحت عنوان «قبیلہ سیزدهم و اسطوره قوم برگزیده» آمده، توضیحاتی درباره این کتاب و دو ترجمه اش در دست است. نامگذاری دریای قزوین به دریای خزر شاید به اعتبار نام همین قوم باشد. م.

۱۴- ییدیش که یهودیان اروپای شرقی بدان تکلم می کنند زبانی آلمانی - اسلاوی بوده حاوی واژه های عبری.